

مروری بر مفاهیم نظارت و بازرسی در سیره نبوی و اندیشه‌ی امام علی (ع)

حسن‌تبیانیان^۱
غلامرضا مرادی حقیقت^۲

چکیده

اسلام به عنوان برترین دین، و پیامبرش خاتم النبیین، امر نظارت جهت دستیابی به اهداف الهی اسلام که همانا قرب الهی و هم‌نشینی باریب العالمین است، از نظر دور نداشته است. در دانش نوپای مدیریت نیز مقوله‌ی نظارت و کنترل یکی از پایه‌های چهارگانه‌ی مدیریت نوین است، و همواره مدیران از این ابزار مهم و حیاتی در جهت پیشبرد امور تحت سرپرستی خود استفاده می‌کنند. گزاره نیست اگر بگوییم که مدیریت بدون کنترل و نظارت، حرکت کردن در خلاء و محرومیت از بهره‌گیری درست امکانات و عوامل موجود برای رسیدن به هدف مطلوب است. آن‌چه که در این مقاله به آن پرداخته شده، تحت عنوان مفهوم نظارت و بازرسی در مدیریت و تشریح آن در سیره‌ی نبوی و امام علی (ع) می‌باشد. این نوشتار در سه بخش تهیه شده که در بخش اول به بحث نظارت و بازرسی در مدیریت و در بخش دوم نظارت بر عملکرد انسان‌ها که یکی از سنت‌های ثابت الهی است، و خداوند متعال همواره ناظر اعمال انسان‌هاست، پرداخت شده و در بخش سوم به برخی از دستورات پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه علیهم السلام اشاره شده است. آن‌چه که در این مقاله سعی شده است به‌طور عمیق‌تری به آن پرداخته شود، وظیفه‌ی کنترل و نظارت مدیران و چگونگی دستیابی به اهداف سازمان بوده و در کنار آن با تمسک جویی از کلام معصومین و سیره‌ی نبوی، سعی بر این شده است تا دریابیم از آنجا که دین اسلام، خداوند سبحان را ناظر بر اعمال بشریت در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها دانسته، تا چه حد به این وظیفه در سیره‌ی پیامبر اعظم پرداخته شده، این پژوهش به لحاظ اهداف، کاربردی و با شیوه‌ی کتابخانه‌ای اجرا شده است.

کلمات کلیدی: نظارت و بازرسی، بازرسی، مدیریت، سیره‌ی نبوی، دین اسلام

۱- بازرسی گروه فرهنگی اجتماعی بازرسی کل استان سمنان دانشجوی دکتری مدیریت (تحقیق در عملیات) دانشگاه سمنان

۲- سربازرس گروه فرهنگی اجتماعی بازرسی کل استان سمنان، کارشناسی ارشد مدیریت مالی دولتی

مقدمه

یکی از مباحث مهمی که در دین مبین اسلام مورد توجه بوده، امر نظارت و بازرسی است. لغت نظارت در عربی به معنای زیرکی و فراست، و در فارسی به معنی نظاره و نظر کردن و نگریستن آمده و لفظ بازرسی نیز به معنی تفتیش و عمل بازرسی گفته می‌شود. کلمه‌ی نظارت و بازرسی در نهج البلاغه ۱۴۳ بار تکرار شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) به دلیل اشراف و نظارتی که داشتند، در ابتدای خلافت خود اقدام به استرداد اموال بیت المال، تعویض کارگزاران نالایق و انتخاب دقیق مأموران بازرسی و نظارت به همراه آموزش‌های فنی و رفتاری به تحصیل‌داران و کارگزاران خود نمودند. به‌عنوان نمونه، از حضرت علی (ع) نقل شده که در حدیث شریف (و ابعث العیون من اهل الصدق و الوفاء علیه)، از بازرسان و ناظران به عنوان عیون، چشم‌های نظام اسلامی نام برده شده است.

امام علی (ع) برای مجموعه‌ی دولت خویش، شبکه‌ی بازرسی و کنترل ایجاد کرده بود و بازرسان دولتی، شبانه روز در سراسر سرزمین‌های خلافت اسلامی به‌طور آشکار به کنترل امور می‌پرداختند، و نتیجه‌ی بررسی‌های خود را کتبی یا حضوری به اطلاع ایشان می‌رساندند. کارگزاران نیز به خوبی می‌دانستند که عملکرد آنان از دید بازرسان مخفی نمی‌ماند و به‌طور مستمر به مرکز گزارش می‌شود. چنین کاری به تناسب موضوع، حجم و اهمیت سوژه، بیشتر به شکل انفرادی و گاهی نیز به صورت گروهی انجام می‌گرفت، چنان‌که امام به مالک بن کعب ارحبی (والی عین التمر) طی حکمی مأموریت داد که با مأموران تحت امر خود، منطقه‌ی وسیعی را بازرسی کند: (أَمَّا بَعْدُ، فَاسْتَخْلَفْ عَلِيَّ عَمَلِكُ، وَ اَخْرُجْ فِي طَائِفَةٍ مِنْ أَصْحَابِكَ، حَتَّى تَمُرَّ بِأَرْضِ كُورَةَ السَّوَادِ، فَتَسْأَلْ عَنْ عُمَالِي، وَ تَنْظُرَ فِي سِيرَتِهِمْ فِيمَا بَيْنَ دَجَلَةَ وَ الْغَرِيبِ، ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْبَهْقَبَادَاتِ، فَتَوَلَّ مَعُونَتَهَا، وَ أَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا وَ لَاكَ مِنْهَا. وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ مَحْفُوظٌ عَلَيْهِ، مَجْزِيٌّ بِهِ؛ فَاصْنَعْ خَيْرًا - صَنَعَ اللَّهُ بِنَا وَ بِكَ خَيْرًا - وَ اعْلَمْ أَنَّ الصَّدَقَ فِيمَا صَنَعْتَ وَ السَّلَامُ؛ أَمَا بَعْدُ، كَسَى رَأْيَ جَانَشِينِي خَوْشِ بَغْمَارٍ وَ بَاغْرُوهِ مِنْ هَمَكَارَاتِ

به سوی منطقه‌ی «کوره السواد» حرکت کن و عملکرد کارگزاران را از دجله و غریب تا بهقبادات پرسش و بررسی کن و حساب و کتاب آن‌ها را به‌طور دقیق به انجام رسان. در این مأموریت که خدا به تو سپرده، به فرمان او باش و بدان که اعمال آدمیزاد برای خودش محفوظ است و در ازای آن پاداش می‌گیرد؛ بنابراین، راستی و نیکی را پیشه کن - خدا با ما و شما به نیکی رفتار کند. در مأموریتی که به انجام می‌رسانی، راستی و درستی‌ات را به ما نشان بده و السلام). نوع دیگر از نظارت آشکار، حسابرسی و گرفتن گزارش کار مدیران بود. این کار نیز به‌طور مرتب انجام می‌گرفت و امام از این طریق بر عملکرد آنان اشراف و اطلاع داشت. این کار به شکل عمومی و به سهولت انجام می‌شد و اگر احیاناً

برخی از کارگزاران سهل انگاری می کردند، با واکنش سریع امام مواجه می شدند. نامه‌ی امام (ع) به یزید بن قیس ارجبی، گویای این حقیقت است: (أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّكَ أَبْطَأْتَ بِحَمْلِ خَرَجِكَ؛ وَ مَا أَدْرَى مَا الَّذِي حَمَلَكَ عَلَى ذَلِكَ، غَيْرَ أَنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَأَحْذَرُكَ أَنْ تُحْبِطَ أَجْرَكَ وَ تُبْطِلَ جِهَادَكَ بِخِيَانَةِ الْمُسْلِمِينَ. فَاتَّقِ اللَّهَ، وَ تَنْزَهُ نَفْسَكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَ لَا تَجْعَلْ لِي عَلَيْكَ سَبِيلًا. فَلَا أَجِدُ بَدَأً مِنَ الْإِيْقَاعِ بِكَ، وَ اعْزِزِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَا تَظْلِمِ الْمُعَاهِدِينَ ... اما بعد، تو در ارسال اموال مالیاتی، کوتاهی کرده‌ای؛ سبب این کار بر من پوشیده است، چاره‌ای نیست جز این که تو را به تقوای الهی سفارش کنم و از این که با خیانت به مسلمانان پاداشت را تباہ‌سازی و جهاد خویش را بر باد دهی، تو را پرهیز می‌دهم؛ بنابراین، از خدا پروا کن و خویشان را از آلوده شدن به حرام منزہ‌دار؛ راه بازخواست و نکوهش مرا بر خود ببند؛ احترام مسلمانان را نگه دار و به پناه جویان مملکت اسلامی ستم روا مدار).

هم چنین به امام گزارش رسید که نعمان بن عجلان (والی بحرین) در فرستادن اموال بیت‌المال به مرکز کوتاهی ورزیده، و گویا قصد خیانت دارد. امام (ع) طی نامه‌ای به تویخ او پرداخت: (أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّهُ مَنِ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَ رَغِبَ فِي الْخِيَانَةِ وَ لَمْ يُنْزَهُ نَفْسَهُ وَ دِينَهُ، أَخْلَلَ بِنَفْسِهِ فِي الدُّنْيَا، وَ مَا يُشْفِي عَلَيْهِ بَعْدُ، أَمْرٌ وَ أَبْقَى وَ أَشَقَى وَ أَطْوَلُ. فَخَفِ اللَّهُ، إِنَّكَ مِنْ عَشِيرَةِ ذَاتِ صَلَاحٍ، فَكُنْ عِنْدَ صَالِحِ الظَّنِّ بِكَ اما بعد، هر کسی امانت را خوار شمارد و میل به خیانت کند و جان و آیین خود را مهذب نسازد، خویشان را در سرای دنیا تباہ ساخته و آن چه را در آن سرا به دست خواهد آورد، تلخ تر، بادوام تر، سخت تر و طولانی تر است؛ بنابراین از خدا بترس. تو از قبیله‌ی شایسته‌ای نسب می‌بری، پس این گمان نیکو را در حق خویش پاس دار). دیگر بار امام (ع) یکی از بازرسان را برای حسابرسی به سوی یکی از والیان گسیل داشت، ولی او نسبت به فرستاده امام (ع) بی حرمتی کرد و اجازه نداد که مأموریتش را انجام دهد. امام پس از آگاهی از این موضوع، طی نامه‌ی شدید اللحنی به او نوشت: (أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّكَ شَتَمْتَ رَسُولِي وَ زَجَرْتَهُ، وَ بَلَّغْتَنِي أَنَّكَ تُبَخِّرُ وَ تُكْثِرُ مِنَ الْأَدْهَانِ وَ الْوَانَ الطَّعَامِ، وَ تَتَكَلَّمُ عَلَي الْمَنْبِرِ بِكَلَامِ الصَّادِقِينَ وَ تَفْعَلُ إِذَا نَزَلَتْ أَعْمَالُ الْمُحَلِّينَ؛ فَإِنْ يَكُنْ ذَلِكَ كَذَلِكَ، فَفَنَسَكَ ضَرَرَتِ وَ أَدَبِي تَعَرَّضَتْ ... كَيْفَ تَرْجُو - وَ أَنْتَ مُتَهَوِّعٌ فِي النَّعِيمِ، جَمَعْتَهُ مِنَ الْارْمَلَةِ وَ الْيَتِيمِ - أَنْ يُوجِبَ اللَّهُ لَكَ أَجْرَ الصَّالِحِينَ، بَلْ مَا عَلَيْكَ تَكَلُّتُكَ أُمَّكَ لَوْ صُمَّتْ لِلَّهِ أَيَّامًا وَ تَصَدَّقَتْ بِطَائِفَةٍ مِنْ طَعَامِكَ؛ فَإِنَّهَا سِيرَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ أَدَبُ الصَّالِحِينَ، أَصْلَحْ نَفْسَكَ وَ تَبَّ مِنْ ذَنْبِكَ وَ ادَّحَقَّ اللَّهُ عَلَيْكَ. وَالسَّلَامُ؛ اما بعد، تو به فرستاده‌ی من دشنام داده‌ای و او را رنجانده‌ای! از این گذشته، به من خبر رسیده که تو خود را با انواع عطرها و روغن‌ها، بخور می‌دهی و غذاها را رنگارنگ می‌خوری! بر فراز منبر که می‌شوی، چونان راستان سخن می‌رانی، و چون فرود می‌آیی، کار اباحی گران می‌کنی! اگر تو چنان باشی که

گزارش داده‌اند، خویشتن را باخته‌ای و به دأب و روش من خدشه وارد کرده‌ای ... تو-هنگامی که در نعمت‌های گردآمده از اشک و آه بیوه زن و یتیم غوطه‌وری- چگونه امید داری که خداوند پاداش شایستگان عطايت کند؟ تو را چه می‌شد- مادرت به عزایت بنشیند!- اگر چند صباحی به خاطر خدا روزه می‌گرفتی و اندکی از غذایت را به مستمندان صدقه می‌دادی! که چنین کاری، سیره‌ی پیامبران و سنت صالحان است. خویشتن را اصلاح کن و از گناهت باز گرد و حق خداوند بر خود را ادا نما). امام (ع) به نظارت پنهانی نیز سخت معتقد بود و آن را برای اصلاح امور بسیار کارساز می‌دانست؛ زیرا کار گزاران اگر می‌توانستند از دید بازرسان آشکار مخفی شوند یا با ظاهر سازی آنان را بفریبند و یا احیاناً با آنان از در آشتی و سازش در آیند و به لطایف الحیل ایشان را از گزارش‌های صحیحی که به زیان آنان است باز دارند، از بازرسی و گزارش بازرسان پنهان‌بیمناک‌اند و یا این بازرسان از چنین آسیب‌هایی در امانند. اینان با بازرسی و نظارت پنهان، بیم و هراس مدیرانی را که قصد تخلف و خیانت دارند، افزون می‌کنند و این خود عامل افزایش ضریب کاری و امنیتی مسؤولان می‌شود. امیر مؤمنان- صلوات الله علیه- چنین نظارتی را برای سلامت دولت و کار گزاران ضروری می‌دانست.

بخش اول: مفهوم کنترل و نظارت در مدیریت

کنترل، یکی از پنج وظیفه‌ی اساسی مدیران است که اولین بار توسط هنری فایول مطرح شد که در حال حاضر نیز همچنان از جایگاه ویژه‌ای در امر مدیریت برخوردار است. واژه‌ی کنترل در فرهنگ معین به معنای بازرسی، واری و تفتیش آمده، اما در فرهنگ فارسی عمید، نظارت به معنای زیرکی و فراست و راه نشان دادن به کسی و رهبری و هدایت آمده است (مصطفی نیکنامی / ۱۳۸۲). تعاریف بالا، تعریف لغوی دو واژه‌ی کنترل و نظارت می‌باشد و همان‌طور که مشخص است، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، اما به‌طور کلی در بسیاری از موارد این دو واژه در کنار هم (کنترل و نظارت) به عنوان یکی از وظایف اصلی رهبران و مدیران آموزشی به یک معنا به کار رفته و زمانی نیز واژه‌ی بازرسی در کنار دو واژه دیگر به یک معنی به کار رفته است.

عده‌ای با به کارگیری سه واژه‌ی کنترل، بازرسی و نظارت معتقدند هر سه به یک معنا و مفهوم بوده و از لحاظ مصداق برابرند؛ لیکن این سه واژه از لحاظ مصداق و مفهوم با یکدیگر متفاوتند، بدین گونه که نظارت معنای عام و گسترده‌ای دارد و بازرسی یکی از اشکال نظارت است. به عبارت دیگر، نظارت اعم، و بازرسی اخص است و کنترل نتیجه و اثر نظارت و بازرسی است. به سخن روشن‌تر، فلسفه‌ی غایی نظارت و بازرسی، کنترل است. با وجود نکات ظریف و دقیقی که در بحث تفاوت میان این واژگان مطرح شده، ارتباط در هم تنیده‌ای را که این لغات با هم دارند، نمی‌توان از نظر دور

داشت. وجود همین ارتباط باعث شده که گه‌گاه هر یک از آن‌ها به جای یکدیگر به کار گرفته شوند، یعنی در جایی که باید مفهوم کنترل به کار رود، واژه‌ی نظارت به کار گرفته شود یا برعکس. یکی از حیاتی‌ترین ارکان یک مدیریت سالم و کارآمد، وجود یک نظام کامل و دقیق نظارت و بازرسی است؛ البته ضرورت وجود نظارت به معنای نداشتن اعتماد به کارکنان سازمان نبوده و سفارش به داشتن یک نظام قوی نظارتی نیز به معنای توصیه به نداشتن اعتماد به کارکنان نیست. در یک عبارت کوتاه می‌توان گفت: اعتماد در سازمان خوب است، ولی نظارت لازم است، و این دو تضاد و منافاتی با هم ندارند؛ چرا که نظارت، تنها جست و جو برای دست‌یابی به نقاط ضعف و کاستی‌های کارکنان سازمان نیست، بلکه در نظارت، هم باید به دنبال نقاط قوت و توانایی‌های افراد بود و هم به دنبال نقاط ضعف و کاستی‌ها. شناخت نقاط مثبت و استعدادها و توانایی‌های افراد، نقش به‌سزایی در بالا بردن کارایی سازمان دارد و مدیریت سازمان با توجه به توانایی‌های شناخته شده افراد، می‌تواند تصمیمات معقول و صحیح‌تری در مورد کارکنان سازمان و نقش‌های سازمانی آن‌ها اتخاذ نماید، که هم کارایی و موفقیت سازمان را به دنبال خواهد داشت و هم به رشد و تکامل و پیشرفت کارکنان سازمان کمک خواهد کرد.

انجام فعالیت‌های سازمان همراه با موفقیت نخواهد بود، مگر آن‌که نظارت و بازرسی‌های لازم نسبت به آن صورت گیرد. وجود یک نظم نظارتی در سازمان، مدیریت را نسبت به نحوه‌ی تحقق هدف‌ها و انجام عملیات آگاه ساخته و او را قادر می‌سازد که پیگیری‌های لازم را انجام دهد. سازمان، بدون داشتن یک نظام دقیق نظارت، نمی‌تواند به تمام اهداف مورد نظر خود دست یابد و از امکانات و منابع موجود، به نحو مؤثر و درست استفاده کند. اطمینان از این که اجرای برنامه و هدایت آن درست انجام می‌شود و در صورت مشاهده‌ی انحراف، برای تصحیح آن اقدام لازم به عمل می‌آید، نیازمند یک نظام مؤثر و دقیق نظارتی است؛ بنابراین، یکی از وظایف اساسی مدیر، نظارت و کنترل است که البته این وظیفه‌ی مزبور با سایر وظایف مدیر، رابطه‌ی تنگاتنگ دارد. نظارت و کنترل با برنامه‌ریزی، پیش‌تر و روشن‌تر است؛ زیرا در صورت وجود نظارت و کنترل است که برنامه‌ریزان به صحت و درستی پیش‌بینی‌های خود پی‌می‌برند. از سوی دیگر، نظارت نیز بدون وجود برنامه، مفهومی ندارد و کاری عبث و بیهوده خواهد بود؛ زیرا به دلیل ارتباط تنگاتنگ میان نظارت و برنامه‌ریزی است که برخی از نویسندگان علم مدیریت، نظارت و برنامه‌ریزی را به دو تیغه‌ی یک قیچی تشبیه کرده‌اند که بدون هر یک از تیغه‌ها، قیچی قادر به کار کردن نیست و فایده‌ای نخواهد داشت.

بخش دوم: نظارت بر عملکرد انسان‌ها یکی از سنت‌های ثابت الهی

خداوند سبحان، در قرآن کریم بارها در آیات متعدد، مساله نظارت و بازرسی اعمال بندگانش را مطرح کرده و خود را شاهد و ناظر کارهای بندگان خود معرفی می‌نماید: «و قل اعملوا فیسری الله عملکم و رسوله و المومنون و ستردون الی عالم الغیب و الشهاده فینبئکم بما کنتم تعملون. توبه/۱۰۵؛ (ای پیامبر) بگو عمل کنید؛ خداوند و رسول خدا و مومنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید خبر می‌دهد»، همچنان که از این آیه شریفه استفاده می‌شود و در آیات دیگر قرآن و روایات معصومان علیهم السلام بیان شده است، خداوند متعال علاوه بر این که تمام کارهای انسان‌ها را می‌بیند و آن‌ها را به دقت زیر نظر دارد، افکار و نیات انسان‌ها نیز تحت نظارت کامل و دقیق او است. با اندک تأملی در آیات قرآن کریم و روایاتی که از پیامبر (ص) و ائمه هدی علیهم السلام رسیده، چنین برداشت می‌شود که شش گروه، کار نظارت بر اعمال و افکار و نیات انسان‌ها را بر عهده دارند:

۱- خداوند سبحان: پیش از همه و برتر و بالاتر از همه، ذات پاک خداوند، بر اعمال و رفتار و نیات بندگانش نظارت می‌نماید و در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «و ما تکون فی شان و ما تتلوا منه من قرآن و لاتعملون من عمل الا کنا علیکم شهودا اذ تفیضون فیه...؛ یعنی در هر حال که باشی و هر آیه‌ای از قرآن که بخوانی و هر کاری را انجام دهی، ما شاهد و ناظر بر شما هستیم تا هنگامی که در آن کار وارد می‌شوید. پس نخستین ناظر بر اعمال انسان، خداوند متعال است. امام خمینی (ره) نیز فرمودند: عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید. واقعیت این است که اگر انسان این حقیقت را همیشه نصب العین خود قرار دهد و خداوند متعال را همواره شاهد و ناظر بر کارهای خود بداند و به عبارت دیگر، همواره خود را در محضر خدا حس نماید، از هر گونه لغزش و خطا و خیانت مصون خواهد ماند. پرواضح است که نظارت و شهادت خدای متعال برای همه چیز و همه کس کافی است، و ضرورتی به وجود ناظران دیگر احساس نمی‌شود، اما لطف خداوند و عدالت او ایجاب می‌کند که ناظران و شاهدان دیگری نیز برای نظارت بر کارهای انسان‌ها معین نماید.

۲- پیامبران و امامان علیهم السلام: قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فکیف اذا جئنا من کل امه: بشهید و جئنا بک علی هولاء شهیدا. (نساء/ ۴۱)؛ چگونه خواهد بود آن روز که از هر امتی گواهی می‌آوریم و تو (پیامبر خاتم) را گواه بر این امت قرار می‌دهیم. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید که پیامبر گرامی اسلام (ص) در روز قیامت، بر امت خود گواهی خواهد داد و روشن است که گواهی آن روز، بدون وجود نظارت در این دنیا، درست نخواهد بود؛ بنابراین پیامبر (ص) در این دنیا ناظر بر

اعمال امت خود می‌باشند. در ذیل این آیه‌ی شریفه، امام صادق (ع) می‌فرماید: این آیه در باره‌ی امت محمد (ص) نازل شده که در هر قرنی برای آن‌ها، امامی از ما خواهد بود گواه بر آنان و محمد (ص) گواه بر همه‌ی ماست.

۳- فرشتگان: علاوه بر نظارت خداوند متعال و پیامبران و امامان علیهم‌السلام، عده‌ای از فرشتگان نیز مأمور نظارت بر اعمال و رفتار و نیات انسان‌ها می‌باشند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: و جاءت کل نفس معها سائق وشهید. (ق / ۲۱)؛ یعنی در آن روز (قیامت)، هر انسانی وارد صحنه‌ی محشر می‌شود، در حالی که فرشته‌ای با اوست که او را به سوی حساب سوق می‌دهد و او شاهدی از فرشتگان است که بر اعمال وی شهادت می‌دهد.

۴- اعضای بدن انسان: همه‌ی اعضای بدن انسان، شاهد و ناظر اعمال او می‌باشند، اما در قرآن کریم به نظارت و گواهی چند تا از آن‌ها تصریح کرده است. از جمله آن‌ها می‌توان به زبان، دست، پا، چشم و گوش اشاره کرد آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی مبارکه‌ی نور می‌فرماید: یوم تشهد علیهم السنتهم وایدیهم وارجلهم بما کانوا یعملون؛ روزی که زبان و دست و پای آنان به آن‌چه انجام داده‌اند، شهادت خواهند داد.

۵- زمان: زمان نیز یکی از مخلوقات الهی است که به اذن خداوند متعال، در این دنیا بر اعمال و رفتار انسان‌ها نظارت دارد و در قیامت گواهی و شهادت خواهد داد. حضرت امیرالمؤمنین، علی (ع) می‌فرماید: «هیچ روزی بر فرزند آدم نمی‌گذرد، مگر این که به او می‌گوید: ای فرزند آدم، من روز تازه‌ای هستم و بر تو گواه هستم. در من سخن نیکو و خوب بگو و کار نیک انجام بده تا در قیامت به نفع تو گواهی دهم.

۶- زمین: زمینی که زیر پای ما قرار دارد و ما همواره میهمان آن هستیم و از ما با انواع نعمت‌ها و برکاتش پذیرایی می‌کند مراقب و ناظر اعمال و رفتار ماست و در روز قیامت آن‌ها را بازگو خواهد کرد. خداوند متعال در این مورد می‌فرماید: «اذا زلزلت الارض زلزالها و اخرجت الارض اثقالها و قال الانسان مالها یومئذ تحدت اخبارها. زلزال / ۵۱؛ یعنی هنگامی که زمین شدیداً به لرزه در می‌آید و زمین بارهای سنگینش را خارج سازد و انسان می‌گوید زمین را چه می‌شود (که این گونه می‌لرزد) در آن روز، زمین تمام خبرهای خود را بازگو می‌کند. از این آیات استفاده می‌شود که زمین در قیامت اخبار خود را بازگو خواهد کرد و این یقیناً مسبوق به نظارتی است که در این دنیا بر اعمال انسان‌ها دارد.

بخش سوم: سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) و امام علی (ع) در خصوص نظارت و بازرسی

امام علی (ع) با شناخت عمیق از زوایای روح انسان و خواهش‌های گوناگون نفسانی، به خوبی

می دانست که در رهگذر نفس اماره، هزاران دام آشکار و نهان نهاده شده و هر لحظه بیم آن می رود که کار گزاران را به ورطه ی سقوط و خیانت بکشاند. بدین منظور و به صورت مستمر و به مناسبت های گوناگون، مدیران نظام را پند و اندرز می داد و از غلتیدن در فساد و تباهی (که لازمه ی قدرت و مکتب است) بر حذر می داشت. در این مرحله از کنترل (که می توان از آن به تهذیب ضمن خدمت یاد کرد) امام (ع) می کوشید لغزش و اشتباهات همکاران دولت خویش را به حداقل برساند و نقاط ضعف بخش اجرایی حکومت خویش را کاهش دهد. یاد آوری چند نمونه ی کوتاه مناسب به نظر می رسد.

۱- امام در عهدنامه ی مالک اشتر ضمن موعظه های متعددی درباره ی حفظ جان مردم، عجب و خودبینی، دوست داشتن تملق، منت نهادن بر مردم، شتاب ورزی نابجا، خودکامگی، خشم و غرور، یاد معاد و ... به مالک چنین گوشزد می کند: تو را تکلیف واجب است که همواره حکومت های دادگستر پیشین، سنت های پرفضیلت گذشتگان، روش های پسندیده، آثار پیامبران و واجباتی را که در کتاب خداست، به یاد داشته باشی و نیز عمل ما را الگو بگیر، چنان که بر تو واجب است در جهت پیروی از آن چه در این فرمان با تو پیمان بسته ام و خود به عنوان برهانی در برابر تو بدان تکیه دارم (تا هر گاه نفس به سوی هوس هایت شتاب دهد، تو را بهانه ای نباشد) سخت بکوشی، هر چند عصمت از بدی و توفیق نیکی جز از جانب خدای متعال نباشد.

۲- امام (ع) پس از گزینش عبدالله بن عباس به ولایت بصره، به او چنین سفارش کرد: در برخوردهای روزمره و در مجالس رسمی، و نیز در مقام داوری، با مردم گشاده روی باش و زنهار از خشم که نوعی سبک مغزی شیطانی است. این نکته را بدان که هر آن چه به خدایت نزدیک کند، از آتش دورت می کند و هر آن چه به آتش نزدیک کند، از خدایت دور می کند.

۳- در نامه ای که به یکی از کار گزاران صدقات می سپارد، می نویسد: در اسرار سیاست و جنبه های پنهانی کارهایش، آن جا که گواه و نماینده ای جز خدا حضور ندارد، او را به تقوای الهی فرمان می دهم و نیز فرمانش می دهم که مبادا در ظاهر خدا را اطاعت کند و در خلوت بدان کار دیگر پردازد! که هر آن که پیدا و پنهان و گفتار و کردارش دو گانه نباشد، از عهده ادای امانت بر آید و در عبادت، توفیق اخلاص یابد؛ نیز فرمانش می دهم که با مردم تندخو نباشد؛ به آن هادروغ نگوید و با تکیه بر امتیاز ناشی از مقام سیاسی خود، مورد بی اعتنائی قرارشان ندهد، که آنان برادران دینی اویند و یار و همکارش در به دست آوردن حقوق.

۴- امام (ع) در فرمان واگذاری اداره ی امور مصر به محمد بن ابی بکر می نویسد: در برابر مردم فروتن باش و با آنان نرم خویی و انعطاف پذیری پیشه کن. در برخورد با آنان گشاده رو باش و برابری را

هر چند در نگاه و اشاره‌های تعارف‌آمیز، پاس‌دار، تا زورمندان در ظلم تو طمع نبندند و ناتوانان از عدالتت نومید نشوند که خدای متعال، شما انبوهه‌ی بندگانش را از کارهای کوچک و بزرگ و پنهان و آشکار تان مورد سؤال قرار می‌دهد. پس اگر عذاب کند، این شما یید که ستمکارترین آید، و اگر ببخشاید، این خداوند است که کریم‌ترین است.

۵- امام علی (ع) در آستانه‌ی پیکار صفین، به رزم‌آوران چنین سفارش می‌کند: پیش از آن که دشمن پیکار را بیاغازد، شما نبرد را آغازگر مشوید، چرا که شما - خدای را سپاس - در موضع منطقی نیرومند قرار دارید و رها کردن دشمن تا به هنگامی که خود درگیری را آغاز کند، دلیل دیگری است به سود شما و به زیان آنان. نکته‌ی دیگر این که، چون به خواست خداوند، دشمن گریزان شد، مبادا که فراریان را بکشید یا بر واماندگان بتازید و یا زخمیان را نابود کنید. زنهاری که زنان را حتی اگر ناموستان را دشنام دادند و به فرمانده تان جسارت کردند، بیازارید و برانگیزید.

۶- هم چنین، طی نامه‌ای به اشعث بن قیس (والی آذربایجان) می‌نویسد: بی‌گمان کاری که به تو سپرده شده، نه لقمه‌ای چرب، بلکه بار امانتی بر گردن تو است و در پاسداری از آن باید سرور خویش را پاسخگو باشی. تو را نرسد که درباره‌ی ملت، خودسرانه تصمیم‌گیری یا بدون در دست داشتن سندی اطمینان بخش، به کار خطیری اقدام کنی. بخشی از مال خدای عزوجل را در اختیار داری که خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری، بسا که من نیز برایت زمامدار بدی نباشم.

تلاش امام (ع) در این میدان، بسیار گسترده و همراه با دقت، تیزبینی، قاطعیت و جدّیت بود. وی همواره می‌کوشید که همه‌ی اجزای دولت و دست‌اندرکاران امور، بر محور حق حرکت کنند و از چارچوب حکومت اسلامی خارج نشوند. وجود نظام نظارت و بازرسی، لازمه‌ی حفظ سلامت و رشد و توسعه هر مجموعه و سازمان و موجب پیشرفت و تعالی کارکنان آن است. با توجه به این اصل بود که پیامبر گرامی (ص) هیچ‌گاه از نظارت و مراقبت بر عملکرد کارکنان خود غافل نبود، و اغلب برای نظارت و بازرسی عملکرد کسانی که از سوی آن حضرت به کار گماشته می‌شدند، بازرسان و ناظرانی مشخص می‌نمود تا اعمال و رفتار آن‌ها را به‌طور مرتب، به آن حضرت گزارش کنند تا براساس این گزارش‌ها، عملکرد و رفتار کارکنان خود را بسنجد و بر اساس این سنجش و ارزیابی، تصمیمات بعدی را اتخاذ نماید. امام رضا (ع) در مورد سیره‌ی نظارتی و بازرسی پیامبر گرامی (ص) می‌فرماید: سیره و روش پیامبر (ص) این بود که هرگاه سپاهی را به مأموریت می‌فرستادند، و فرماندهی برای آن تعیین می‌کرد، برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را بر او می‌گماشت تا رفتار و عملکرد او را زیر نظر بگیرند و برای رسول خدا (ص) گزارش کنند.

۷- مالک بن کعب ارحبی، فرماندار عین التمر بود. حضرت در نامه‌ای خطاب به او نوشتند: در حوزه‌ی خدمت، کسی را جانشین بگذار و با گروهی از یارانت بیرون برو تا به سرزمین سواد عراق بگذری و در میان دجله و عذیب، درباره‌ی کار گزاران و کارکنان من پرسش و تحقیق کن و روش عملکرد آنان را نظارت و بازرسی نما. در این نامه حضرت به او سفارش می‌کنند که باید در نظارت و بررسی و گزارش خود، راستی را از یاد نبرد و بداند که کار بنی آدم، نزد خدا محفوظ است و او به همه چیز آگاهی دارد. آن حضرت علاوه بر دستورهایی که برای نظارت و بازرسی به کار گزاران خود می‌دادند، خود نیز در دوران حکومت و مدیریت، همواره بر عملکرد و فعالیت‌های کار گزاران زیردستان خویش، نظارت کامل داشت و به طور مستمر، عملکرد آنان را بررسی می‌کرد. نامه‌هایی که آن حضرت برای کار گزاران و عمال خود در شهرها و استان‌های گوناگون نوشته و در آن‌ها، نقاط قوت و ضعف آنان را متذکر شده گویای همین مطلب است که آن حضرت همواره بازرسان و ناظران مخفی بر کار گزاران خود می‌گماشت تا کلیه‌ی رفتار و عملکرد آنان را به‌طور دقیق زیر نظر گرفته، بررسی نمایند و نتیجه این نظارت و بررسی را برای آن حضرت گزارش کنند.

نظارت و مراقبتی که از جانب آن حضرت صورت می‌گرفت، کاملاً جدی، عمیق و دقیق بود، به گونه‌ای که حتی حرکت کار گزاران آن حضرت در جشن و میهمانی، از نظر آن حضرت مخفی نمی‌ماند؛ به گواهی نهج البلاغه؛ وقتی عثمان بن حنیف، فرماندار بصره، در مجلس میهمانی (جشن عروسی) یکی از ثروتمندان و اشراف بصره شرکت کرد، گزارش آن به زودی به حضرت علی (ع) رسید و آن حضرت بلافاصله در نامه‌ای خطاب به او چنین نوشتند: ای پسر حنیف، به من گزارش رسیده که یکی از جوانان اشراف بصره، تو را به خوان میهمانی اش دعوت کرده و تو به سرعت به سوی آن شتافته‌ای و در آنجا برایت غذاهای رنگارنگ و ظرف‌های بزرگ غذا، یکی پس از دیگری آورده می‌شده است! من گمان نمی‌کردم که تو میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان از آن میهمانی محروم و ممنوع بوده، و ثروتمندانشان دعوت شده‌اند.

با دقت و تأمل در بعضی از نامه‌های حضرت علی (ع) به کار گزاران خود، روشن می‌شود که آن حضرت تنها به نظارت، بررسی‌ها و گزارش‌های بازرسان و ناظران خود، اکتفا نمی‌کردند و فقط با تکیه بر آن‌ها، عملکرد کارکنان خود را ارزیابی نمی‌نمودند، بلکه علاوه بر آن گزارشات، کارکنان خود را به حضور می‌طلبیدند و از آنان در مورد عملکرد و رفتار خودشان سؤال می‌کردند و یا این که از آنان گزارش کتبی می‌خواستند و بدین وسیله، عملکرد آن‌ها را از خودشان نیز تحقیق می‌کردند. این نشانگر نهایت دقت و احتیاط و کمال عدالت و انصاف است که آن حضرت هنگام نظارت و

بازرسی بر عملکرد کارگزارانش رعایت می‌کرد؛ مثلاً در نامه‌ای به یکی از کارگزاران و فرمانداران خود چنین می‌فرماید: به من خبر رسیده که تو زمین‌های آباد را ویران کرده‌ای، آن‌چه توانسته‌ای تصاحب نموده‌ای و از بیت‌المال که زیر دست تو بوده است به خیانت خورده‌ای؛ فوراً حساب خویش را برآیم بفرست و بدان که حسابرسی خدا از حسابرسی مردم سخت‌تر است.

یکی دیگر از نشانه‌های وجود یک نظام دقیق نظارت و بازرسی در حکومت و مدیریت حضرت علی (ع)، توجه خاص آن حضرت به مسأله‌ی نظارت و ارزیابی عملکرد کارکنان و زیردستان خود، نامه‌ای است که آن حضرت هنگام معرفی عبدالله بن عباس به مردم بصره به عنوان استاندار، خطاب به مردم آن شهر نوشته‌اند؛ قسمتی از آن نامه چنین است: سخن او (عبدالله بن عباس) را بشنوید و مادامی که او از خدا و رسولش اطاعت کند، فرمانش برید؛ پس اگر در میان شما بدعتی نهاد یا از مسیر حق منحرف شد، مطمئن باشید که او را از حکومت بر شما برکنار خواهیم کرد. در این نامه، علی (ع) به مردم بصره قول حتمی می‌دهند که اگر استانداری که او معرفی می‌کند، بدعتی بگذارد یا منحرف شود، او را برکنار خواهند کرد، و این نشان می‌دهد که حضرت، نظام نظارت و ارزیابی دقیق و مطمئنی داشته که بر مبنای آن، همواره کارگزاران خود را زیر نظر داشته و مراقب اعمال و رفتار آن‌ها بوده و در صورت مشاهده‌ی هرگونه تخلف یا انحراف، آن‌ها را از کار برکنار می‌کرده‌اند. از علی (ع) به نقاط قوت و ضعف، چنین برمی‌آید که ناظر نباید فقط بر نقاط ضعف افراد تأکید ورزد، اما برخی چنین می‌پندارند که در نظارت و بازرسی، باید صرفاً به دنبال یافتن نقاط ضعف عملکرد افراد بود، درحالی که در یک نظام موفق و سالم نظارت و بازرسی، باید نقاط قوت و نقاط ضعف افراد، در کنار یکدیگر، مورد توجه و دقت قرار گیرد و از توجه صرف به نقاط ضعف افراد پرهیز شود؛ چرا که توجه صرف به نقاط ضعف کارکنان سازمان، آن‌ها را نسبت به نظارت بدبین می‌کند و موجب ایجاد روحیه‌ی مقاومت در برابر نظارت و بازرسی خواهد شد.

در بیش‌تر سازمان‌ها چنین حالتی وجود دارد و افراد سازمان گمان می‌کنند در نظارت و بازرسی، تنها به نقاط ضعف آن‌ها توجه می‌شود و ناظران و بازرسان، فقط کاستی‌ها و نقاط ضعف آن‌ها را ثبت می‌کنند و به دلیل چنین نگرشی به نظارت، معمولاً افراد سازمان در مقابل نظارت و بازرسی مقاومت می‌کنند و از آن دل‌خوشی ندارند حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) به این مسأله نیز توجه داشته و در عهدنامه‌ی مالک اشتر، این مسأله را به او گوشزد کرده و به وی دستور داده که عملکرد زیردستان خود را زیر نظر داشته و ناظرانی برای بررسی اعمال و رفتار آنان تعیین نماید، و در این نظارت و بازرسی، هم نقاط قوت عملکرد آن‌ها را مورد توجه قرار دهد، و هم نقاط ضعف و منفی‌ها را. آن حضرت در

بخشی از نامه‌ی خود به مالک اشتر، چنین می‌فرماید: فراموش مکن که باید بر آنان، بازرسان مخفی از مردمان امین و حقیگوی که در میان مردم به این صفت شناخته شده‌اند، بگماری تا زحمات و تلاش آنان را برای تو ثبت کنند و آنان مطمئن باشند که زحمات و تلاش‌های آنان را می‌دانی، حضرت در این بخش از نامه، اولاً تأکید دوباره می‌کنند که باید بازرسان و ناظران مخفی برای مراقبت و بررسی عملکرد کارکنان داشته باشی، ثانیاً، دستور می‌دهند که به نقاط قوت و مثبت کارکنان و تلاش‌ها و فداکاری‌های آنان توجه‌نمایی تا آنان بدانند که تلاش آنان دور از چشم مافوق خود نیست و به ناچار به این تلاش‌ها ادامه دهند و دلگرم‌تر شوند.

در بخش دیگری از این نامه، توجه مالک اشتر را به نقاط ضعف و خیانت‌ها و انحراف‌های احتمالی کارکنان معطوف داشته و چنین فرموده‌اند: اطرافیان خود را تحت نظر بگیر؛ اگر یکی از آن‌ها دست به خیانت زد و بازرسان تو همگی چنین گزارش دادند، به همین مقدار از شهادت و گواهی قناعت کن و او را زیر تازیانه‌ی کیفر بگیر. وجود بازرسان متعدد از این قسمت از نامه‌ی مالک اشتر که ذکر شد، نکته‌ی دیگری را نیز می‌توان استنباط کرد و آن این که در نظارت و بازرسی، نباید به وجود یک بازرس و ناظر اکتفا شود، بلکه باید بازرسان و ناظران متعددی وجود داشته باشد؛ زیرا حضرت فرمود: اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و بازرسان تو همگی چنین گزارش دادند. پس معلوم می‌شود که باید بازرسان متعددی وجود داشته باشد و این به آن دلیل است که اعتماد به گزارش یک بازرس صحیح نیست؛ زیرا احتمال خطا و اشتباه و غرض‌ورزی شخصی وجود دارد.

مراحل نظارت و ارزیابی

در علم مدیریت، گفته می‌شود که در یک نظام نظارت و ارزیابی درست و موفق، باید مراحل زیر طی شود:

الف- تعیین نتایج مورد انتظار یا بایدها- تعیین الگوهای مطلوب ج- تعیین نحوه‌ی جمع‌آوری اطلاعات (طراحی شبکه‌ی اطلاعاتی) د- ارزیابی اطلاعات و نتیجه‌گیری- این مراحل، در ارزیابی و نظارت الهی نیز مشهود است و نظارت دقیق و عادلانه خداوند متعال بر اعمال و نیات انسان‌ها با پیمودن دقیق و جدی این مراحل، انجام می‌شود.

مرحله‌ی اول: تعیین نتایج مورد انتظار (بایدها): خداوند متعال با فرستادن هزاران پیامبر و چندین کتاب آسمانی، در هر عصر و زمانی و برای هر امتی، راه سعادت و تکامل را مشخص نموده است. با فرستادن خاتم پیامبران و قرآن کریم نیز نعمت خود را بر بندگان تکمیل کرده، بایدها را تعیین نموده و راه صلاح و رستگاری را نمایانده است. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: انا هدیناه السبیل اما شاکرا

و اما کفورا؛ یعنی ما راه را به او نشان دادیم؛ خواه شاکر باشد و بپذیرد یا کفران کننده باشد و نپذیرد. مرحله‌ی دوم، تعیین الگوهای مطلوب: خداوند علاوه بر این که انسان را هدایت نموده و راه تکامل و سعادت و رستگاری را به او نمایانده، الگوها و میزان‌هایی نیز برای او مشخص کرده است. این الگوها و اسوه‌ها، پیامبران و امامان و افراد صالح می‌باشند. از حضرت امام صادق (ع) در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی (و نضع الموازين القسط... سؤال شد، فرمودند: میزان‌ها و معیارها، پیامبران و جانشینان او هستند). در روایت دیگری، نقل شده است: (میزان‌ها و معیارها، امیر مومنان علی (ع) و امامان که فرزندان اویند، می‌باشند. در زیارت مطلقه‌ی امیر مومنان، علی (ع) می‌خوانیم: السلام علی میزان الاعمال؛ یعنی درود بر میزان سنجش اعمال. این به این معناست که هر مسلمانی را از نظر ایمان و اخلاق و اعمال، با آن حضرت مقایسه می‌نمایند؛ هر کس که شباهت بیش تری به آن حضرت داشته باشد، به مقامات عالی تکامل انسانی نزدیک‌تر بوده و هر چه شباهت کم‌تر باشد، از تکامل و سعادت دورتر است.

مرحله‌ی سوم، جمع‌آوری اطلاعات (طراحی شبکه‌ی اطلاعاتی): اطلاعات مورد نیاز برای ارزیابی و سنجش اعمال و رفتار انسان‌ها به صورت دقیق و کامل جمع‌آوری می‌شود، و هیچ چیزی از قلم نمی‌افتد، چنان که خداوند متعال می‌فرماید: فمن يعمل مثقال ذره خیرا یره و من يعمل مثقال ذره شرا یره. زلزله/ ۹۸؛ یعنی هر کس به اندازه مثقالی کار خیر یا شر انجام داده باشد، در روز قیامت به آن رسیدگی خواهد شد. همان گونه که گفته شد، به منظور نظارت بر اعمال و رفتار انسان‌ها و جمع‌آوری اطلاعات لازم برای ارزیابی و سنجش کارهایشان، ناظران متعددی، کار نظارت بر کارهای انسان را بر عهده دارند، و بر تمام کارها و رفتار و افکار و نیات انسان دقیقاً نظارت می‌کنند و به صورت کامل و جامع، ثبت و ضبط می‌نمایند؛ البته بی‌شک، نظارت خداوند متعال به تنهایی کافی است، اما تعدد ناظران و شاهدان اعمال و رفتار انسان، هم اتمام حجت برای انسان است و هم اثرات تربیتی قوی تری دارد.

مرحله‌ی چهارم، ارزیابی اطلاعات و نتیجه‌گیری: مرحله‌ی نهایی در نظارت و ارزیابی این است که با توجه به اطلاعات به دست آمده، عملکرد شخص را با معیارها و بایدها مقایسه و اعمال او را ارزیابی نمایند. این کار نیز در قیامت با دقت انجام می‌شود و پس از بررسی کامل اعمال انسان‌ها و ارزیابی دقیق کارکرد آن‌ها، انسان‌ها به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه اول کسانی هستند که نتیجه‌ی ارزیابی آن‌ها مثبت است. اینان رستگار هستند و به سعادت واقعی و ابدی دست یافته‌اند قرآن می‌فرماید: «فمن ثقلت موازینه فاولئك هم المفلحون. مؤمنون/ ۱۰۲؛ یعنی آنان که میزان‌های عملکردشان سنگین است رستگارند. در جای دیگری نیز می‌فرماید: فهو فی عیشه راضیه. قارعه/ ۷؛ یعنی پس او در یک

زندگی خشنودی خواهد بود. گروه دوم کسانی هستند که نتیجه‌ی ارزیابی آن‌ها منفی است؛ اینان زیانکار هستند و پناهگاهشان جهنم است و جزای اعمال زشت خود را در آن‌جا خواهند دید. قرآن کریم می‌فرماید: و من خفت موازینه فاولئك الذين خسروا انفسهم. مومنون/۱۰۳؛ یعنی کسانی که میزان‌های عملشان سبک است، آن‌ها به خود ستم کرده‌اند. در جای دیگری می‌فرماید: فامه هاویه. قارعه/۹؛ یعنی پناهگاه آن‌ها جهنم است.

نتیجه‌گیری

مدیران بدون داشتن نظارت کافی بر عملکرد کارکنان و اجرای برنامه‌ها، به اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین‌شده‌ی خود دست نخواهند یافت. علاوه بر این که نظارت در مدیریت امروز یکی از ضرورت‌های اساسی است، خداوند متعال نیز همواره بر اعمال و رفتار انسان‌ها دقیقاً نظارت دارد و عملکردشان را مورد ارزیابی و سنجش عادلانه قرار می‌دهد. اساساً نظارت و بازرسی، یکی از سنت‌های ثابت الهی است. پیامبر گرامی (ص) و حضرت علی (ع) در زمانی که حکومت و مدیریت جامعه را بر عهده داشتند، همواره بر اعمال و رفتار کارکنان و کارگزاران خود نظارت داشتند و با توجه به نتایج این نظارت و بازرسی‌ها، کارگزاران خود را مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دادند. بر این اساس، در نظام مقدس جمهوری اسلامی که افتخارش این است که نظامی دینی و اسلامی و پیرو دستورات الهی و پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم است، باید بر عملکرد مدیران و کارکنان سازمان‌ها دقیقاً نظارت وجود داشته باشد. براساس این نظارت دایمی و دقیق، عملکرد افراد مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد و تمامی تصمیمات مربوط به کارکنان، اعم از پاداش، ترفیع و مانند آن، بر اساس نتایج به دست آمده از این ارزیابی‌ها انجام شود؛ البته در نظارت بر اعمال کارکنان و کارگزاران نظام، باید یک نکته همواره مدنظر باشد و آن این که هم بر نقاط قوت نظارت شود و هم بر نقاط ضعف افراد و در ارزیابی عملکرد افراد این دو عمل، همراه یکدیگر، مدنظر باشد، نه این که فقط به نقاط ضعف توجه شود؛ و نقاط قوت افراد فراموش گردد؛ چرا که در آن صورت، نوعی نگرش منفی نسبت به نظارت و ارزیابی در میان کارکنان به وجود خواهد آمد که نتیجه‌ی آن مقاومت افراد در مقابل نظارت و ارزیابی خواهد بود.

منابع و ماخذ

-باندی، جوزف -وایلز جان. نظارت در مدیریت، مترجم محمدرضا بهرنگی، تهران، انتشارات کمال تربیت، تابستان ۷۹.

- بهرنگی، محمدرضا، مدیریت آموزشی و آموزشگاهی، تهران، انتشارات کمال تربیت، پاییز ۸۱، چاپ هفتم.
- جمعی از علما و دانشمندان، نگرشی بر مدیریت در اسلام. تهران، انتشارات مدیریت دولتی، ۱۳۷۳، چاپ اول.
- عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- قرائتی، محسن، سیره‌ی پیامبر اکرم (ص). وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۵، چاپ اول.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی. کیان‌فر، جمشید. ناسخ‌التواریخ. تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵، چاپ دوم.
- مجموعه مقالات دومین همایش علمی و پژوهش نظارت و بازرسی، سازمان بازرسی، مجید بهزادپور.
- الوانی، سیدمهدی، تأملی بر ساختارهای نظارتی در جامعه، مجموعه مقالات سازمان بازرسی، ص.
- طبرسی، تفسیر مجمع‌البیان، ترجمه‌ی علی کرمی.
- جعفری، محمد تقی، شرح نهج‌البلاغه، جلد ۶، ص ۳۲۴.
- شرح نهج‌البلاغه، محمدتقی جعفری، جلد ۶، ص ۱۲.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، دولت آفتاب، انتشارات صدرا.
- اقتداری، علیمحمد، سازمان مدیریت، انتشارات مولوی. ص ۲۶۳، سال ۱۳۶۹.
- رضائیان، علی، اصول مدیریت، انتشارات سمت، ص ۱۴۷.
- بازرسی و کنترل داخلی، پژوهشکده‌ی پولی و بانکی بانک مرکزی.

